



دکتر رضا نوریها



قانونی تردد در قالبی شیشه ای

مقدمه

عاقبت، پس از سالها تأخیر شاهد وضع قانونی جدید با نام تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده هستیم که بنظر می رسد به ظاهر امید پرکردن خلل های فراوان قانون سابق تعزیرات موجب تصویب این قانون شده اما خلق جرایم جدید با مجازاتهای سنگین و تغییرات ماهوی برخی از مواد قانون سابق نشان می دهد که تهیه کنندگان قانون اخیر به معجزه کیفر در پیشگیری از جرایم بیش از داروی تربیت و اصلاح توجه داشته اند. با این همه نمی توان منکر تلاش و کوشش تهیه کنندگان در دقت بیش از گذشته به پای بندی به اصول حقوق جزا در تدوین قانونی منضبط تر و دقیقتر از پیش گردید اما اثبات حوصله، کارآیی و تخصص ایشان در امر قانون نویسی جزایی با توجه به مراقبت از قلمرو آزادیهای اعطاء شده در قانون اساسی و حقوق مردم و همچنین محافظت از اهداف مجازاتها که اجرای عدالت و اصلاح و باز اجتماعی کردن بزهکاران است بنظر مشکل می نماید. یادآوری این نکته لازم است که محرومیت از آشنایی به منابع تدوین چنین قانونی علی رغم استفاده فراوان از قوانین قبل از انقلاب برای شناخت دیدگاههای تهیه کنندگان آن ما را محدود به متن قانون می کند و

لذا نمی‌توانیم پاسخ از پیش تهیه شده‌ایشان را در قبال آن گروه از مشکلات قانون اخیر که متأسفانه باید گفت سبب قانون از محصول چنین مشکلاتی خالی نیست داشته باشیم تا دچار داوری اشتباه در زمینه آنچه که عنوان می‌کنیم نگردیم. به هر حال با مروری کوتاه بر قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ که چند سال با سرسختی عمری بیش از دوره آزمایشی خود داشته به اشکالات مهم آن می‌پردازیم و بعد قانون جدید را نیز در کلیات آن مورد توجه قرار می‌دهیم.

الف. قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ و مشکلات آن

قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ در شرایطی تهیه گردید که تب انقلاب سخت بالا و لزوم تحول و تغییر چشمگیر می‌نمود، قانون راجع به مجازات اسلامی قبلاً و در سال ۱۳۶۱ به شکل آزمایشی و با توجه به دیدگاههای شرعی به تصویب رسید و طبیعی می‌نمود که قانون تعزیرات نیز باید با سرعت جانشین قوانین قبلی گردد تا در انطباق قانون راجع به مجازات و قانون تعزیرات خللی ایجاد نشود. سرعت حادثه می‌سازد و قانون نیز وقتی با شتاب تهیه و تصویب شود مشکلات فراوانی ایجاد می‌کند. تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به ظاهر پاسخی به مشکلات قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ بود و تصویب قانون تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده نیز به نظر می‌رسد چاره‌ای برای رفع مشکلات قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ باشد.

به هر حال نگاهی گذرا به برخی مشکلات قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ زمینه تصویب قانون جدید را مشخص می‌کند. هرچند قانون ۱۳۶۲ در بسیاری از مسائل دقیقاً رونویس قوانین قبل از انقلاب بود اما چون قصد تطبیق این قوانین با مقررات شرعی وجود داشت لذا طبیعی می‌نمود که با توجه به قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ از کیفر شلاق فراوان‌تر استفاده کند، اصطلاحات رایج در شرع چون محارب و مفسد و فعل حرام را بکار گیرد که گرچه منابع قرآنی و روایی مجازات شلاق و یا

اصطلاحات یادشده برای اهل فن روشن بود اما بخصوص درک و لمس اصطلاحات غالباً برای مردم عادی که باید قانون جزایی را با صراحت درک کنند و تبعات هر کلمه و جمله را بشناسند مشکل ایجاد می کرد. رجوع به منابع و قوانین دیگر نیز چون قانون راجع به مجازات اسلامی نیز نمی توانست مشکل را لااقل برای مردم عادی رفع کند.

از دیگر اشکالات قانون تعزیرات ۱۳۶۲، باید اشاره کرد به نقص و ایراد نگارش مواد متعددی که یا در تبیین و توضیح جرم ناتوان بودند و یا دقتی لازم در جهت شناخت مصالح اجتماعی با جرم انگاری برخی از رفتارهای مجرمانه نداشتند.

دیگر از خلل های قانون تعزیرات ۱۳۶۲ را باید در عدم فصل بندی و تقسیم بندی مطالب و همانطور که اشاره کردیم شتاب زدگی در تدوین مسائل مختلف دانست.

از اشکالات عمده دیگر قانون سابق باید به آخرین ماده قانون یعنی ماده ۱۵۹ اشاره کرد که تعقیب و مجازات مجرم در حقوق الناس را متوقف بر مطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی او می کرد. بحث اینکه حقوق الناس چگونه باید از حقوق الله تفکیک گردد و گفتگو در زمینه جرایمی که دارای دو جنبه حقوق الهی و حقوق الناسی هستند فراوان انجام شد و حتی منجر به تشکیل سمینار و ارجاع به کمیته استفتائات وقت قوه قضاییه کشید و دیوان عالی کشور نیز ناچار به مداخله شد و به شکل موردی با قضایا برخورد کرد.

اشکال مهم دیگر را باید در پراکندگی قوانین جزایی سابق دانست که قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ نتوانسته بود این پراکندگی را رفع کند. علت را باید در همان شتابزدگی تدوین و تصویب قانون دانست که مهلتی برای بررسی قوانین مختلف و گنجاندن آن در قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ وجود نداشت.

دیگر از اشکالات قانون ۱۳۶۲ را می توان عدم انسجام منطقی مواد و گسیختگی آنها از یکدیگر دانست و در کنار این اشکال باید از نحوه

نگارش گاه بسیار مبهم و عدم تعریف برخی جرایم و حتی اشتباهات چاپی که موجب دردسر دادگاهها را فراهم می ساخت یاد کرد. این اشکالات و ایرادات دیگری که از حوصله مقاله خارج است موجب شد که قانون جدید متولد شود و نارسائیهای قانون قدیم را تا حدی کم رنگ کند ولی در عین حال قانون ۱۳۷۵ نیز علیرغم امتیازاتی که دارد در رفع اشکالات یاد شده چندان موفق نیست.

ب. قانون جدید تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده

قانون جدید تعزیرات زیر عنوان تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مواد ۲۹۸ تا ۷۲۹ را به کیفرهای تعزیری و بازدارنده اختصاص داده است. قانون این بار نه به شکل متعارف و معمولی غالب قانون نویسیهای قبلی جزایی به شکل آزمایشی، بلکه به عنوان یک قانون قطعی مشتمل بر بیست و نه فصل و دوست و سی و دو ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه دوم خرداد یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در ششم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج به تأیید شورای نگهبان رسیده است. بطور کلی در این قانون سعی شده که اولاً، پراکندگی جرایم قوانین مجازات تا حد امکان از بین برود و در یک مجموعه تقریباً مفصل کلیه جرایمی که کیفر آنها یا تعزیرات و یا مجازاتهای بازدارنده است جمع آوری شود هرچند در این کار توفیق کامل بدست نیامده است.

ثانیا، جرایم جدیدی ایجاد گردد که قبلاً وجود نداشت و یا از نظر شکلی و ماهوی متفاوت با جرایم قدیمند. ثالثاً، از مجازاتهای بدنی (شلاق) کمتر استفاده شود، رابعاً جرایم قابل گذشت احصاء گردد، خامساً مجازات شروع به جرم و معاونت که در مواردی دچار ابهام بود (وهست)

۱. ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی: «مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبایل تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در قطه یا قاط معین و منع از اقامت در قطه یا قاط معین و مانند آن...

مشخص گردد. ابتدا بطور خلاصه به این موارد اشاره می‌کنیم و در پایان به اشکالات قانون از نظر عدم توجه دقیق به قواعد قانون نویسی در محدوده قوانین جزایی و حقوق جزا می‌پردازیم.

بنداول

تجمع جرایم و کوشش در جهت محدود ساختن پراکندگی قوانین جدید

در قانون جدید تعزیرات سعی شده تا برخی جرایم که بطور پراکنده در مجموعه قوانین جزایی ایران وجود داشتند در قالب ماده مشخصی در این قانون پیش بینی شوند به عنوان مثال ماده ۶۱۷ قانون جدید بیشتر از ماده ۱ «لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اختلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی» مصوب ۱۵ آبانماه ۱۳۳۶ اقتباس شده ولی مجازات آن تغییر کرده است. به موجب ماده ۶۱۷: «هرکس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۲) ضربه شلاق محکوم خواهد شد». مقایسه این ماده باماده ۱ لایحه قانونی ۱۳۳۶ مطلب را مشخص می‌کند.^۱

همچنین مواد ۶۱۹ و ۶۲۰ قانون جدید تا حد زیادی منطبق است با مواد ۲ و ۳ لایحه قانونی فوق الذکر.^۲ نمونه دیگر ماده ۶۲۱ قانون تازه است که با الهام از قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۸ اسفندماه/ ۱۳۵۳ نوشته شده که البته به دلایل شرعی تغییراتی در آن داده شده است. یادآوری این نکته لازم است که قانون تشدید مجازات

۲. ماده ۱- «هرکس به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند و یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص و یا اخاذی و یا بدان وسیله تهدید و یا با کسی گلاویز شود به سه ماه تا یک سال حبس جنحه ای و یا به اقامت اجباری از شش ماه تا یکسال در محلی غیر از محل اقامت خود محکوم خواهد شد».

۳. برای مطالعه رک به لایحه قانونی مجازات حمل چاقو مصوب ۱۵ آبانماه ۱۳۳۶

ربایندگان اشخاص در دوازده ماده تصویب شده بود که در ماده ۶۲۱ سعی شده به اختصار به جهات مختلفی که در قانون سابق تشدید وجود داشت پرداخته شود که البته گرچه از نظر نگارش قانون نویسی این رویه معمول است اما در عین حال اشکالاتی را از جهت تفکیک مسائل و تعیین مجازات ایجاد می کند.

بطور خلاصه علیرغم کوشش در جمع قوانین و جلوگیری از پراکندگی هنوز هم بسیاری از قوانین جزایی سابق که قابلیت اجرا نیز دارند در مجموعه قانون جدید جایی باز نکرده اند من جمله قوانین مربوط به گذرنامه، راه آهن، مواد خوراکی و دارویی و بسیاری قوانین دیگر.

بند دوم

ایجاد جرایم جدید و یا تغییر شکلی و ماهوی قوانین قدیم

قانون جدید تعزیرات، بی محابا به خلق جرایم جدید پرداخته و پروایی از اینکه قلمرو قوانین جزایی را وسعت دهد نداشته است، شاید بتوان علت این امر را از طرفی در کثرت جرایم و هراس تهیه کنندگان قانون از گسترش آنها و تعیین عدم کارایی دولت در اعمال سیاست جزایی تلقی کرد و از سوی دیگر نگرش تند و پرخاشجویانه به کسانی که نظم عمومی را جدی نمی گیرند و بخصوص امنیت کشور را مورد هجوم قرار می دهند و لذا در این زمینه تغییرات قابل توجه و مهمی در فصل اول و زیر عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور انجام شده است، اما برخی دیدگاههای خاص نیز نشأت گرفته از استفاده بیشتر از مسائل شرعی را می توان در ایجاد جرایم جدید دید. به علاوه برخی قوانین قدیم نیز با تغییر صورت در قوانین جدید جا باز کرده اند.

بد نیست نمونه هایی از این موارد ذکر شود:

در مورد جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور می توان مواد ۴۹۸، ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون جدید را ذکر کرد که اصولاً در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۳ وجود نداشت و تقریباً با استفاده از قانون مقدمین علیه امنیت

کشور در رژیم سابق تدوین شده که آن قانون با توجه به شرایط سیاسی حاکم و بخصوص بیشتر در زمینه مبارزه با متجرمین سیاسی بود و لذا با تغییر نظام و آزادیهای مندرج در قانون اساسی وجود مواد یاد شده با تقریباً همان شرایط خاص تبادر جمعیت‌های سیاسی با محدودیتهای وارده بر آنها را می‌کند. ماده ۵۰۰ تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی را مطرح می‌کند که با گستردگی فراوان مفهوم تبلیغ و عدم شناخت حدود و ثغور آن و منظور از فعالیت تبلیغی و دخول آحاد مردم در قلمرو وسیع قوانین جزایی تدوین چنین ماده‌ای با نحوه نگارش آن به نظر صحیح نیست و خلاف آزادیهای مقرر در قانون اساسی است زیرا همه را در وحشت از عنوان مسائل به تعبیر تبلیغ می‌اندازد. قانون باید روشن و شفاف تبلیغ و فعالیت تبلیغی را معین کند و نگارش کلی و مبهم فعالیت تبلیغی آن هم «به هر نحو» در قوانین جزایی شایسته قانونگزاری که خود را عصاره انقلاب مبتنی بر استقلال و آزادی می‌داند نیست.

از مواد دیگری چون ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، نیز می‌توان بعنوان مثال یاد کرد که جایی در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ نداشته‌اند.

در زمینه استفاده بیشتر از دیدگاه‌های شرعی به عنوان مثال می‌توان از تبصره ذیل ماده ۵۱۲ یاد کرد که توبه را در مورد مرتکبین مواد ۵۰۸،^۲ ۵۰۹ و ۵۱۲ بطور مشروط پذیرفته است.^۳ از توبه در مواد دیگری نیز استفاده شده است. به علاوه در این قانون نیز همان اصطلاحات شرعی که

۴. ماده ۵۰۸ هرکس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد.

۵. ماده ۵۰۹ هرکس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می‌گردد.

۶. ماده ۵۰۱۲ هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرفنظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد.

۷. تبصره: در مواردی که احراز شود متهم قبل از دستیابی نظام توبه کرده باشد مشمول مواد ۵۰۸، ۵۰۹ و ۵۱۲ نمی‌شود.

در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ نیز وجود داشت (علیرغم عدم صراحت و روشنی این اصطلاحات برای درک مردم عادی) مجدداً استعمال شده است چون: «عمل حرام» مندرج در ماده ۶۳۸، «محارب» در مواد متعدد. بالاخره می توان از موادی نام برد که در قوانین قدیم وجود داشته و با تغییرات اندکی مجدداً در قانون جدید جا باز کرده اند. نمونه آن ماده ۶۵۶ در مورد سرقت است که در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، البته نه به تفصیل قانون فعلی وجود داشت. طبق این ماده که به نظر می رسد در جهت تحدید اجرای مجازات حد بوده که در شرایط کنونی به اعتقاد برخی به دلیل عدم قدرت بر احراز کلیه جهات شرعی اجرای این کیفر با مشکل اجرا مواجه است در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به یکی از شرایط مندرج در ماده ۶۵۶ باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود.^۸

بند سوم

استفاده محدودتر از مجازات بدنی شلاق

مجازات بدنی شلاق از زمره کیفرهایی است که در کنار موافقین استوار مخالفین جدی و فراوانی دارد. در کشور ما نیز این دیدگاه در میان غالب حقوقدانان وجود دارد که مجازات شلاق باید در محدوده آن دسته از احکام شرعی که مستقیماً شلاق را از منابع قرآنی و روایی می گیرند قرار گیرد و فراتر از آن می توان از مجازاتهای دیگر بخصوص زندانهای کوتاه یا میان مدت استفاده کرد. به نظر می رسد که قانون جدید تعزیرات در این جهت فکری حرکت کرده و به محدودیت مجازات شلاق در تعزیرات که امکان این محدودیت وجود داشته پرداخته است. البته به نظر می رسد عنوان مجازاتهای بازدارنده در این زمینه دست تهیه کنندگان را باز کرده باشد. مروری بر قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و قانون فعلی این دیدگاه را توجیه می کند. تهیه کنندگان قانون به سه طریق مجازات شلاق را

۸. رک به ماده ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

محدود کرده اند:

۱. اصولاً مجازات شلاق را لغو و از مجازاتهای دیگر بخصوص حبس های کوتاه و میان مدت و همچنین جزای نقدی استفاده کرده اند هرچند حبسهای درازمدت نیز در موارد زیادی دیده می شود.
۲. مجازات شلاق را لغو نکرده اند اما در کنار شلاق مجازاتهای دیگری را نیز قرار داده اند تا دادگاهها بتوانند به میل خود یکی را انتخاب کنند.
۳. با تعیین برخی از مجازاتها و تصریح به آنها عملاً دادگاهها را از اختیار مجازات شلاق محروم کرده اند.

در هریک از موارد بالا می توان نمونه هایی ارائه داد:

۱. ماده ۵۵۰ قانون جدید دقیقاً از ماده ۴۰ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ اقتباس شده است، در ماده اخیر مجازات مستخدم یا مأمور دولت در زمینه مسامحه و اهمال جهت دستگیری افراد تا ۷۴ ضربه شلاق تعیین شده بود در حالی که در قانون جدید و در ماده ۵۵۰ این مجازات به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی تغییر کرده است.^۱
- نمونه دیگر ماده ۵۵۶ است که جانشین ماده ۴۵ قانون سابق شده که مجازات شلاق در قانون اخیر الذکر به حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال تغییر پیدا کرده است.^۲
۲. در پاره ای موارد مجازات شلاق لغو شده اما کیفرهای دیگری در کنار این مجازات معین گردیده تا دادگاهها به انتخاب خود یکی را در مورد مجرم حکم دهند. به عنوان نمونه می توان ماده ۵۴۷ را نام برد که قبلاً و طبق ماده ۳۷ قانون تعزیرات سابق مجازات شلاق برای محبوس که از محبس فرار کرده بود تعیین کرده بودند در حالی که در ماده ۵۴۷ شلاق و حبس در کنار هم قرار گرفته و به دادگاه اختیار داده شده یکی از دو

۱. رک به ماده ۵۵۰ قانون فعلی و ماده ۴۰ قانون تعزیرات ۱۳۶۲

۱۰. رک به ماده ۵۵۶ قانون فعلی و ماده ۴۵ قانون تعزیرات ۱۳۶۲

مجازات را حکم دهد.^{۱۱}

نمونه دیگر ماده ۸۶ سابق و ۶۰۸ فعلی است که در ماده ۸۶ صرفاً مجازات شلاق برای توهین پیش بینی شده بود و در ماده ۶۰۸ قاضی مخیر به انتخاب مجازات شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.^{۱۲}

۳. تهیه کنندگان قانون ۱۳۷۵ با تعیین و مشخص کردن برخی از مجازاتها که در قانون سال ۱۳۶۲ معین نبود نه تنها ایراد بی توجهی به اصل قانونی بودن مجازات را در چنین مواردی برطرف کرده اند که به حق از امتیازات این قانون است بلکه به شکلی غیرمستقیم محدوده مجازات شلاق را نیز تنگ ساخته اند. نمونه روشن آن معاونت در جرایم تعزیری است که قبلاً در قانون مجازات اسلامی حدود آن مشخص نبود و لذا دادگاه اختیار تعیین مجازاتهای مختلف و من جمله شلاق را داشت اما ماده ۷۲۶ عنوان می کند: «هرکس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می شود». روشن است که با تعیین حداقل مجازات مقرر در قانون برای معاونت دیگر، دادگاهها اختیاری از جهت تعیین مجازات شلاق برای معاون ندارند و مکلفند حداقل مجازات مقرر در قانون را حکم دهند مگر اینکه اصل مجازات قانونی شلاق باشد.^{۱۳}

بند چهارم

احصاء جرایم قابل گذشت

قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مجدداً با منطبق قوانین سابق تا حدی آشتی کرده و کوششی در جهت تدوین قانونی مناسب تر معمول داشته است که می توان به احصاء جرایم قابل گذشت اشاره کرد که قبلاً به شکل روشن

۱۱. رک به ماده ۵۲۷ قانون جدید تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده

۱۲. رک به ماده ۶۰۸ قانون یاد شده

۱۳. رک به ماده ۷۲۶ قانون یاد شده

وجود نداشت و ماده ۱۵۹ قانون سابق تعزیرات نیز رافع ابهام های متعدد در زمینه این جرایم نبود. بدین طریق بار بردوش دیوان عالی کشور گذاشته می شد تا در مواردی خاص جرایمی را که از حیثیت عمومی برخوردار بودند به عنوان رأی وحدت رویه اعلام کند.^{۱۳}

در قانون جدید تعزیرات ماده ۷۲۷ به جرایمی اشاره می کند که جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر نماید.^{۱۴}

صرف نظر از مسائلی که در ارتباط با این ماده ممکن است پیش آید^{۱۵} اما احصاء این جرایم حتی بدین شکل هم دادگاهها را از بلا تکلیفی نجات می دهد و هم شاکیان را به حدود شکایتشان و تبعات آن آگاه می سازد و هم از نظر سیاست جزایی و جلوگیری از طرح شکایات واهی می تواند مؤثر باشد.

۱۳. مانند آراء وحدت رویه در زمینه قتل غیر عمد و یا خیانت در امانت

۱۴. رک ماده ۷۲۷ قانون تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده

۱۵. تخفیف قضایی مجازات وفق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی در مواردی که شاکی یا مدعی خصوصی رضایت خود را اعلام کنند تجویز شده است. بدیهی است در مواردی که جرم اصولاً قابل گذشت باشد تخفیف مجازات موردی ندارد زیرا در جرایم غیر قابل گذشت نیز امکان این تخفیف وجود دارد، در چنین مواردی تعقیب باید اصولاً متوقف شود. نحوه نگارش ماده ۷۲۷ بخصوص وقتی جرایم مندرج در این ماده را شمارش و عنوان می کند که این جرایم جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی شود حاکی از آن است که در چنین مواردی اگر شاکی خصوصی پس از طرح شکایت گذشت نماید دادگاه باید قرار موقوفی را صادر کند اما با علوان اینکه دادگاه می تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد از اصل کلی موقوفی تعقیب در چنین مواردی عدول شده است. بمبارت دیگر بنظر می رسد با قراردادن اختیار تخفیف و یا صرف نظر کردن از دعوی به قاضی اصل قابل گذشت بودن این جرایم در همه حال منتفی است مگر در قوانین خاصی که قاضی به اجبار باید در صورت گذشت شاکی تعقیب را موقوف کند.

بند پنجم

تعیین مجازات مشخص در زمینه معاونت در جرم و

همچنین تعیین کیفر شروع به جرم

به یاد داریم که ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مجازات معاونین جرم را به طور کلی تعزیر می دانست ولی حدود آن را مشخص نکرده بود که مخالفت این ماده با اصل قانونی بودن مجازاتها کاملاً روشن است. قانون جدید تعزیرات در ماده ۷۲۶ که قبلاً نیز به آن اشاره کردیم مجازات معاونت در جرایم تعزیری را مشخص کرده و از این حیث ایراد قانون مجازات را از بین برده است (صرفنظر از بحثی که ممکن است در زمینه نسخ یا عدم نسخ این قانون با قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۳ آن پیش آید که البته با عنایت به ماده ۷۲۹ قانون جدید تعزیرات که قوانین مغایر با این قانون را ملغی اعلام کرده بنظر نمی رسد گشودن این بحث مفید باشد بخصوص با احترام به اصل قانونی بودن مجازاتها اتکاء به ماده ۷۲۶ ضروری است) اما نکته مهمی که در ماده ۷۲۶ بنظر می رسد از چشم تهیه کنندگان قانون دور مانده عدم تناسب مجازات معاون با مباشر در بسیاری از موارد است. فرض کنیم مجازات جرمی در قانون تا ۷۴ ضربه شلاق تعیین شده که روشن است حداقل آن یک ضربه شلاق خواهد بود حال چگونه می توان تناسب بین مجازات مباشر و معاون را تعیین کرد؟ البته ممکن است از جمله «حسب مورد...» مندرج در قانون تعبیر عدم استفاده دادگاه را در استفاده از حداقل مندرج در ماده ۷۲۶ استنباط کرد که این تعبیر چندان قوی نیست.

قانون جدید در زمینه شروع به جرم نیز مجازات مواردی را اعلام کرده تا اشکالات ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی را در این زمینه محدود کند.^{۱۷}

۱۷. رک به: رضا نوربها... مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۳ و ۱۴ صفحه ۱۷۱

بند ششم

اشکالات قانون از نظر عدم توجه به فن قانون نویسی

در حقوق جزا و قوانین جزایی

هرچند تغییراتی که عنوان گردیده قانون جدید را واجد امتیازات قابل ملاحظه ای می نماید اما قانون جدید تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده نیز چون قوانین گذشته در پاره ای از موارد از قواعد قانون نویسی در قوانین جزایی و اصولی که در حقوق جزا برای این قوانین قائل شده اند دور شده و با استعمال برخی کلمه ها و جمله های مبهم موجبات تعابیر و تفاسیر گوناگون را فراهم کرده و به دادگاهها این اجازه را داده است تا بتوانند با آزادی کامل در تعبیر و تفسیر این کلمات عمل کنند که گرچه این مشکلات در قوانین گذشته نیز وجود داشته اما با توجه به اینکه قوانین جزایی باید روشن، شفاف، ساده و عاری از تعابیر و تفاسیر گوناگون باشد تا حقوق مردم دستخوش ناایمنی قرار نگیرد لذا لازم است در چنین مواردی دقت کافی معمول گردد. به عنوان مثال می توان به مواردی جهت یادآوری اشاره کرد چون تبانی در مواد ۶۱۰ و ۶۱۱،^{۱۸} کلاشی در ماده ۷۱۲،^{۱۹} عمل حرام در ماده ۶۳۸،^{۲۰} طفل صغیر در ماده ۷۱۳^{۲۱} که گرچه مفهوم این کلمات برای دادگاهها می تواند تا حدی مشخص باشد اما برای آحاد مردم که مخاطبین قوانین جزایی هستند مبهم و نارساست و لازم است از استعمال این گونه کلمات و یا جمله هایی که قوانین جزایی را دستخوش تعابیر گوناگون می کنند خودداری شود. یکی از اشکالات بنیادی قانون جدید که در قانون سابق نیز می توان نمونه های آن را بسیار دید اعطاء اختیارات موسع به دادگاهها در نوسان بین حداقل و حداکثر مجازات در موارد فراوانی است که تصور می کنم دادگاهها نیز خود با این اختیارات وسیع

۱۸. رک به: مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ قانون تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده

۱۹. رک به: ماده ۷۱۲ همان قانون

۲۰. رک به: ماده ۶۳۸ همان قانون

۲۱. رک به: ماده ۷۱۳ همان قانون

موافق نباشند نمونه های آن فراوان است: ۲ تا ۱۰ سال حبس در مواد ۴۹۸-۵۰۴-۵۰۵-۶۸۱ و یا سه ماه تا ده سال حبس در ماده ۶۵۲؛ یک تا ده سال حبس در مواد ۵۰۱-۵۰۸-۵۱۸-۵۲۵-۵۵۸؛ پنج تا بیست سال حبس در مواد ۵۲۶ و ۶۵۱.

هرچند در مواد یاد شده علی الاصول شدت لطمه و آسیب به جامعه مورد توجه بوده اما اعطاء این اختیارات وسیع در مجازاتهای معین عدالت را کم رنگ و انصاف را بی رونق خواهد ساخت.

بطور کلی باید اشاره کنیم که قانون جدید تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده با وجود امتیازات نسبت به قانون قدیم و صرف نظر از اینکه در بسیاری از موارد قوانین قبل از انقلاب را مد نظر داشته از اشکالات بنیادی نیز فراوان رنجور است. می توان از امتیازات این قانون به مسائل زیر اشاره کرد:

۱. توجه بیشتر به اصل قانونی بودن مجازاتها با محدود کردن دامنه اختیارات دادگاهها با تعیین مجازاتهای معاونت در جرم و شروع به جرم.

۲. محدود کردن مجازات بدنی شلاق با حذف این کیفر و یا با قراردادن این مجازات در کنار کیفرهای دیگر.

۳. تجمع در حد امکان قوانین پراکنده

۴. جرم انگاری برخی از رفتارهای ضد اجتماعی که به جامعه آسیب و خدشه وارد می کنند (بدیهی است این امتیاز را باید در قلمرو محدود مورد توجه قرار داد و از جرم انگاری موسع پرهیز کرد)

۵. فصل بندیهای منظم و دقیقتر نسبت به قانون تعزیرات ۱۳۶۲ و

توجه بیشتر به شکل نگارش قانون نویسی.

اما از اشکالات عمده قانون فقط به دو نکته مهم اشاره می کنم اولاً قانون جدید تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده قانونی است که در یک جمع بندی کلی محدوده جرایم را با دست و دلپازی فراوان افزایش داده و افراد بیشتری از مردم را در معرض تهدید طوفان قوانین جزایی قرار داده است که ایجاد عناوین مجرمانه و تهدیدهای جزایی بلای اندیشه های

آزادیخواهی است بخصوص در قسمتهایی که تفکر افراد را در چهارچوبهای قانونی محدود کنند و یا دامنه قلمرو جرایم را آنچنان وسعت بخشند که به ساده ترین طریقی بتوان اشخاص را در مظان اتهام قرار داد. مروری بر قانون و دقت در استعمال کلمه ها و جمله های برخی از مواد روشنگر این مسأله است که تهیه کنندگان قانون یا بدانها عمیقاً توجه نداشته اند و یا عمداً در جهت توسعه قلمرو سیاست ارعایی مجازات بوده اند که اگر چنین باشد باید گفت متأسفانه با تجربه شکست دیگرانی که چنین کرده اند آشنایی نداشته اند و شکنندگی قوانینی این چنین را لمس نکرده اند.

ثانیاً، قانون جدید صرفنظر از اینکه تعداد زیادتری از مردم را در محدوده قوانین جزایی قرار می دهد با توجه به نحوه برخورد با مسائل و تعیین مجازاتهای مختلف و علیرغم محدود کردن کیفر شلاق در جمع قانونی شدیدتر نسبت به قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ تلقی می شود. اصرار بر تعیین حداکثر مجازات در پاره ای از موارد، امکان دادن به تعابیر و تفاسیر دادگاهها در برخی از مواد و بخصوص تفویض اختیارات وسیع به دادگاهها در نوسان بین حداقل و حداکثر که گاه فاصله آنها نیز بسیار زیاد است، تعیین مجازاتهای شدید در برخی از جرایم که مطلقاً نیازی به چنین شدت عملی در اینگونه موارد احساس نمی شود و بطور کلی عدم یک جهت گیری منظم و منطبق با اصول و قواعد حقوق جزا در نتیجه ابهام یک سیاست جزایی مناسب قانون جدید تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده را دستخوش بی ثباتی و بی قراری می کند.

تصور من بر آن است که در مورد این قانون بسیار باید گفت و بسیار باید نوشت تا از صافی اندیشه ها بگذرد و جلوه ای منطبق با نیازها و تحولات جامعه پیدا کند. زمان شتابان است و درنگ در سرعت گرفتن با زمان همیشه جایز نیست.

احتمال شکستن چنین قانونی با جداری شیشه ای همیشه وجود دارد و تهیه کنندگان و واضعین یک قانون باید توان ساختن قالبهای باثبات را در کوره زمان داشته باشند.